

● توجه به درگیری‌ها در مناطق کوهستانی و کمک به پیشبرد صلح در این مناطق.

یکی از شعارهای اصلی این سال می‌گوید: «ما همه مردمان کوهستان‌ایم» و منظور از آن این است که همه‌ی مردم وابسته به کوه‌ها و تحت تاثیر آنها هستند. از هر ده نفر انسان، یک نفر در مناطق کوهستانی زندگی می‌کند، و یک پنجم کل سطح زمین، کوهستانی است. نکته‌ی دیگر این که بیشتر مردم کوه‌نشین گرفتار فقر و کمبود مواد غذایی هستند.

محمد نوری از کوه‌نوردان برجسته‌ی ایران می‌گوید که تمامی کوه‌نوردان و دوستداران محیط‌های کوهستانی در سراسر جهان، به دلیل علایق مشترک، دیدگاه‌های مشترک، و ارزش‌های مشترک، شهروندان «کشور مشترک کوهستان» به شمار می‌آیند.

نشست ژوهانسبورگ و کوه‌ها

«با همکاری می‌توان موجب دگرگونی‌هایی شد.» این یکی از شعارهایی است که در نشست حاشیه‌ای اجلاس جهانی توسعه‌ی پایدار در ژوهانسبورگ (۴ تا ۱۳ شهریور ۱۳۸۱) در ارتباط با موضوع محیط‌های کوهستانی مطرح شد. داگ مک‌گوییر (Doug Mc Guire) از واحد هماهنگی سال جهانی کوه‌ها در رم گفت: «هنگامی که مردم هم‌فکری می‌کنند، به ویژه در یافتن راه حل برای مسایل بسیار مشخص، چیزهای زیادی می‌توان به دست آورد.»

در مورد کوه‌ها، این به معنای گرد هم آوردن همکاران به منظور یافتن راه‌های حفظ تنوع زیستی، وضع قوانین و ابداع رویه در حمایت از حقوق مالکیت مبتنی بر مشارکت، و تدوین راهبردهای حامی روش‌های کشاورزی پایدار است. مک‌گوییر گفت: «در همکاری‌ها و گردهمایی‌ها، جامعه‌های محلی باید در مرکز بحث باشند و صدای مردم کوه‌نشین باید شنیده شود.» این نکته‌ای است که در ایران، در برنامه‌های توسعه و نیز برنامه‌های زیست محیطی (اگر وجود داشته باشند) اصلاً در نظر گرفته نمی‌شود؛ به کوه‌نشینان می‌گویند چرای بیش از حد سبب فرسایش خاک می‌شود، و از آن سو — بی آن که افراد محلی در تصمیم‌گیری مشارکتی داشته باشند — شروع به جاده‌سازی در کمرکش‌های پرشیب و بناکردن تاسیسات سنگین که هیچ سودی برای آنان ندارد می‌کنند (مثلاً در کوه‌های شمال تهران یا در الوند همدان) و به این ترتیب موجب فرسایش به مراتب شدیدتر می‌شوند. یا در منطقه‌ای دیگر، برای افراد محلی محدودیت در چرای دام ایجاد می‌کنند (و این به جای خود لازم و درست است) اما از سوی دیگر خاک منطقه را برای معدن‌کاوی به توبره می‌کشند (منطقه‌های حفاظت شده‌ی انگوران، موته، و...) یا در یک منطقه که طی سالیان دراز، گاوداران محلی به ارتزاق مشغول بوده‌اند، ضمن آن که شمشیر «طرح بیرون راندن دام از جنگل» بر فراز سرشان معلق است، ناگهان طرح تاسیس «شهر بازی» (در جنگل سه هزار) یا طرح تامین کاغذ روزنامه‌ی کشور (جنگل‌های نکا) یا طرح‌های عظیم چوب‌بری با عنوان فریبنده‌ی «احیای جنگل» (در جنگل‌های سفارود) پیاده می‌شود. در هیچ یک از مناطق کوهستانی ایران، با برنامه‌هایی حساب شده و پی‌گیر به اهالی محل آموزش داده نشده که «یک راه کاهش گرسنگی مردم کوه‌نشین، تقویت آنان به منظور